

بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان

دکتر حسین لطف‌آبادی*

وحید نوروزی**

چکیده

یکی از چالشهای اساسی بشری در دو دهه اخیر، مسأله جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است که بر هویت و نظام ارزش مردم، به‌ویژه توجراتان و جوانان، تأثیری عمیق گذاشته است. در این مورد دانش‌پژوهان غربی مطالعات فراوانی کرده‌اند اما، به دلیل یک‌جانبه‌نگری نظریه‌های زیروطنی و فرهنگ‌گسته بودن ابزارهای پژوهشی آنها، نمی‌توان نتایج تحقیقات آنان را بدون توجه به مطالعات ملی در سایر فرهنگها، از جمله در فرهنگ ایرانی، پذیرفت و به کار بست.

بر اساس این، در پژوهش مورد بحث ما، علاوه بر نظریه‌پردازی در مقوله جهانی‌شدن و نظام ارزش و هویت دینی و ملی، مفاهیم پژوهشی جدید (شامل ابزارهای سنجش نگرش به جهانی‌شدن، هویت دینی و ملی، نظام ارزش، وضعیت روان‌شناختی، چگونگی فرزندپروری در خانواده، و سنجش برنامه‌ها و عملکردهای مدارس در موضوع جهانی‌شدن) طراحی و تدوین و روایی‌یابی و اجرا شده است تا بتوانیم به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم.

پایان علم انسانی

*. استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

** پژوهشگر و کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

۱. سومین مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان"، که با تصویب مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی وزارت آموزش و پرورش اجرا شده است.

در این تحقیق، که از نوع پیمایشی و تحلیلی‌های همبستگی و هلی-مقایسه‌ای است، با بررسی یک نمونه ۲۲۹۲ نفری از دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در شش استان مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب کشور، پنج هدف اساسی را در مورد سه نوع نگرش منفعل، مخالف، و لذت به پدیده جهانی شدن در میان دانش‌آموزان نوجوان و تأثیر هر نگرش را بر هویت دهنسی و ملی آنان، با طرح پنج سؤال اصلی و شش سؤال فرعی، دنبال کرده‌ایم تا برای شناخت راه و روشهای واکنش مناسب (واکنش فعال و منفعل) در مقابل پدیده جهانی شدن، زمینه‌سازیهایی لازم را فراهم آوریم.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن؛ جهانی سازی؛ نظام ارزشی؛ هویت دهنسی؛ هویت ملی؛ نگرش سنجی؛ نگرش به جهانی سازی؛ نوجوانان دانش‌آموز ایرانی؛ دبیرستانها؛ دوره پیش‌دانشگاهی و برنامه‌ها و عملکرد مدارس در مورد جهانی شدن.

مقدمه

فرآیند جهانی شدن و طرح جهانی سازی، دو پدیده اساسی در عصر حاضر است که نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی زندگی تأثیر عمیق گذاشته، بلکه جنبه فرهنگی و اعتقادی و روان‌شناختی زندگی مردم و به خصوص نوجوانان و جوانان، را هم دچار تغییر و تحولات اساسی کرده است. آنچه امروز در جهان رخ می‌دهد - خواه از این بابت که فرزندان ما از طریق رسانه‌های گروهی و ابزارهای بازی و سرگرمی و ماهواره‌ها و اینترنت به سرعت و در سطحی گسترده با سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و فرهنگ و هنر و باورها و ارزشهای بیگانه آشنا می‌شوند - تأثیری عظیم بر آنان می‌گذارد و هویت و معتقدات و نظام ارزشی آنان را دگرگون می‌کند. این مشکل به خصوص در میان گروهی وسیع از دانش‌آموزان نوجوان که بیشترین وقت فراغت خود را با رسانه‌های جهانی پر می‌کنند - در شرایطی که دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی ما اساساً و یکسره گرفتار درس و نمره و امتحان و کنکور و رقابتهای گوناگون تحصیلی هستند و فرصت آموزشهای لازم در مورد مسائل جهانی را ندارند - بسیار نگران‌کننده‌تر است.

فرآیند روبه رشد شکل‌گیری کنواسیونها و عهدنامه‌های بین‌المللی، نزدیک شدن مقررات کشورها به یکدیگر، تشکیل پیمانها و اتحادیه‌های گوناگون در اروپا و سایر کشورها، سيطرة جهانی قوانین بین‌المللی، گشایش بازارهای جهانی، افزایش شدید رقابتهای بین‌المللی و گسترش بی‌سابقه دانش و فناوری موجب ابغای نقش روزافزون شرکتهای بزرگ فراملیتی در زمینه‌های اقتصادی، بازارهای جهانی و رسانه‌های گروهی جهان و حتی در عملکرد مراکز گوناگون علمی و آموزشی شده است (الطفا‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳). کار به جایی رسیده که امروز، در همه‌جای جهان، هر کودکی که به کودکان با دبستان می‌رود، هر نوجوان و جوانی که در مدرسه یا دانشگاهی درس می‌خواند، و هر فردی که چشم و گوش خود را به این یا آن رسانه می‌سپارد یا کتاب و روزنامه‌های می‌خواند، متأثر از دانش و فناوری و هنر و تبلیغات و برنامه‌های

کوناگون جهانی است. تحقیقات علمی نیز مزید این حقیقت است (هامپلتون، ۱۹۹۶؛ ادواردز و اشر، ۱۹۹۷؛ گرین، ۱۹۹۷؛ مارگینسون، ۱۹۹۹؛ هنری، ۲۰۰۱؛ همکاران، ۲۰۰۱؛ فالک، ۲۰۰۲؛ پرکه، ۲۰۰۳).

از میان عدداً کتاب و مقاله دیگر بین‌المللی، علاوه بر آنچه ذکر شد، می‌توان به موارد مهم‌تر زیر نیز اشاره کرد که به بررسی مقوله جهانی‌سازی و تأثیر آن بر فرهنگ و ارزشها و آموزش و پرورش پرداخته‌اند: آینگر^۱ (۲۰۰۱)، فرهنگ زندگی و فرهنگ نابودی (نهفت ضدجهانی‌سازی)؛ پرکه^۲ (۲۰۰۲)، جهانی‌شدن، هویت، و دموکراسی؛ پرکرواسکی^۳ (۲۰۰۳)، هویت جمعی ملی: ساختهای اجتماعی و نظامهای بین‌المللی؛ بلویس و تراس^۴ (۲۰۰۴)، جهانی‌شدن و آموزش و پرورش؛ کارنوی و راتن^۵ (۲۰۰۲)، یک رویکرد مقایسه‌ای در مسئله تأثیر جهانی‌شدن بر تغییرات آموزشی؛ کلیواتد^۶ (۱۹۹۹)، قرن جهانی؛ کوردول^۷ (۲۰۰۶)، آینده آموزش لیبرال و تسلط ارزشهای اقتصادی؛ فاس^۸ (۲۰۰۳)، کودکان و جهانی‌شدن؛ قیزستون^۹ (۱۹۹۵)، فرهنگ تباهی: جهانی‌سازی، پست‌مدرنیسم، و هویت؛ گول^{۱۰} (۲۰۰۰)، جهانی‌شدن، معاصر و چالشهای اخلاقی؛ گیلیسپی^{۱۱} (۲۰۰۳)، بسوی "تقابل امیل": دوباره‌سازی مفهومی آموزش لیبرال در عصر جهانی‌شدن؛ هال^{۱۲} (۱۹۹۹)، هویت جمعی ملی: ساختارهای اجتماعی و نظامهای بین‌المللی؛ مک‌ایوان^{۱۳} (۲۰۰۱)، جهانی‌شدن چیست؟؛ شن‌کینگ^{۱۴} (۲۰۰۲)، پژوهش آموزشی برای لرآبند. دیالکتیک جهانی‌شدن و محلی‌شدن؛ سوپینگ^{۱۵} (۱۹۹۶)، جهانی‌شدن یادگیری: الگوی نمونه یا متناقض؟؛ تاملس^{۱۶} (۲۰۰۱)، ملاحظه در جامعه شهری جهانی؛ ویت^{۱۷} (۲۰۰۰)، آموزش در تایپاند پس از بحران: ایجاد تعداد بین جهانی‌شدن و انتقادات ملی.

در کتب و مقالاتی نیز که در پنج سال اخیر در کشور ما انتشار یافته (که برخی از آنها اثر نویسندگان ایرانی و برخی دیگر ترجمه آثار نویسندگان خارجی است) به جوتب اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در این موضوع توجه شده است. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استیگلیتز (۱۳۸۲)، جهانی‌سازی و مسائل آن (ترجمه حسن گلریز)، لندی، یاقو (۱۳۸۱)، تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه ملی بلذمدت ایران؛ الزوری، محسن (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی جهانی‌شدن دین؛ اسماعیلوف، پرویز (۱۳۷۹)، آثار جهانی‌شدن در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- | | | |
|---|------------------------------------|------------------|
| 1. Hamilton. www.Epdli.Jogaz | 2. Edwards & Usher | 3. Green |
| 4. Marginson | 5. Henry, Lingard, Rizvi, & Taylor | 6. Falk |
| 7. Ainger, Katharine | 8. Birkhead | 9. Bukovansky |
| 10. Burbules and Torres | 11. Carnoy and Rhoten | 12. Cleveland |
| 13. Cornwell | 14. Fasse | 15. Featherstone |
| 17. Gillespie | 18. Hall | 19. MacEwan |
| 21. Sweeting | 22. Thoraas | 23. Witte |
| | | 20. Shert-Keng |

نماور و پیمان؛ پلخاری، حسن (۱۳۸۰). آغاز جهات زندگی؛ پالاست، گریگ (۱۳۸۲). بهترین دموکراسی که با پول می‌توان خرید؛ یک گزارش تحقیقی که برده از حقیقت جهات‌سازي شرکت‌های بزرگ و غولهای مالی جهان برمی‌آورد (ترجمه رضا افتخاری). پاتریج‌کادی (۱۳۸۱). آثار جهات‌سازي شدن بر حمایت‌های اجتماعی؛ نواتیان فرد، حسن (۱۳۸۲). جهات‌سازي؛ اقتصاد اینترنت، آی‌تی‌س شدن، و اقتصاد اطلاعات‌رسانی؛ حکیمی، محمد (۱۳۸۲). جهات‌سازي اسلامی، جهات‌سازي غربی؛ حلالی، فهد (۱۳۸۱). آغاز تحولات مرزهای ملیت؛ جهات‌سازي؛ خوشحال، پامین (۱۳۸۲). جهات‌سازي با سرمایه‌های زندگی؛ رفیعی فنود، محمد حسین (۱۳۸۱). آن سوی جهات‌سازي؛ سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۲). جهات‌سازي و دموکراسی (عدم دموکراسی)؛ صدیقی، کورس (۱۳۸۲). آزادسازی، مقررات‌زدایی، خصوص‌سازی، وابسته‌های جهات‌سازي؛ طباطبایی، سید صادق (۱۳۸۲). جهان رسانه و جهات‌سازي؛ عزیزی بنی‌طرف، یوسف (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی سه انقلاب؛ جهات‌سازي، مهندسی ژنتیک، و اینترنت؛ فاکس، ادیان توحیدی در عصر جهات‌سازي (ترجمه مرودشتی، عبدالرحیم، ترجمه مزدک اندیشه، ۱۳۸۱). فالک، ادیان توحیدی در عصر جهات‌سازي (ترجمه مرودشتی، عبدالرحیم، ۱۳۸۱). کتاب نقد (پاییز و زمستان ۸۱) جهات‌سازي؛ گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهات‌سازي فرهنگ و هویت؛ گیدنز، جهات‌سازي شدن نابریبری دولت سرمایه‌گذار اجتماعی (ترجمه محمد رضا، مهدی‌زاده، ۱۳۸۱). گیدنز، چشم‌انداز نظم جهات‌سازي (ترجمه محمد رضا جلالی‌پور، ۱۳۸۱). گریپین، مروری بر جهات‌سازي و گذار اقتصادی (ترجمه محمدرضا فرزین، ۱۳۷۸). مارتین و شومن، دام جهات‌سازي، تهاجم به دموکراسی و رفاه (ترجمه حمیدرضا، شهسپرزادی، ۱۳۸۱). مرقاتی (۱۳۸۳). جهان‌شمولی اسلامی و جهات‌سازي؛ نقیب‌السادات، رضا (۱۳۸۲). جهات‌سازي؛ ولی‌زاده، مرتضی (۱۳۸۰). نخستین چالش‌های هزاره سوم؛ توسعه پایدار جهات‌سازي؛ و هارماس، جهات‌سازي (ترجمه شاهرخ حقیقی، و ابراهیم نکلا، ۱۳۸۱).

جهانی شدن - آن طور که استرومکوویست و مانکن (۲۰۰۰، ص ۶ تا ۲۱) می‌نویسند - پدیده‌ای است که جوانب گوناگون زندگی فرهنگی، اعم از نگرش جنسیتی (فمینیسم و ماسکولینیسم)، دانش، آموزش رسمی، آموزش عالی، مطالعات زنان، آموزش بزرگسالان، و هویت و سبک زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییراتی که جهانی شدن در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم به بار می‌آورد، عمیقاً بر آموزش و پرورش و عناصر آن (شامل دانش‌آموزان) تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم در تعریف آموزش و پرورش، هم در اینکه آموزش و پرورش در خدمت چه کسانی قرار می‌گیرد، و هم در مورد چگونگی سنجش و ارزیابی آموزش و پرورش مشاهده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش و پرورش جهانی شده، هم در کشورهای پیشرفته صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه، در خدمت طبقات اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی خاصی قرار می‌گیرد.

جهاتی‌شدن بر جوقب گوناگون زندگی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگها و نظامهای آموزشی و هویت مردمان نیز هست. برنامه‌ریزی تشریحی و نوآوری

در آموزش و پرورش زمان مانی نواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی‌شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملتها صورت گیرد. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش نیازمند بافته‌های روشن پژوهشی در باره مفهوم جهانی‌شدن و چگونگی و میراث تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن بر جوانب گوناگون برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش است. کارنوی (۱۹۹۹، ص ۹) می‌نویسد که این تأثیرات، بدون شک، نقش بزرگی در تغییر برنامه‌ریزهای آموزشی و درسی داشته و دارد. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و نجاری کردن مدیریت و امور مانی در تعبیر و تربیت تأثیر منفی و مخربی بر "ایجاد فرصتهای برابر آموزش و پرورش برای همگان" به‌جای گذاشته است.

جدا از این تأثیرات، اشاعه معیارهای جهانی‌سازی سبب کمرنگ‌شدن تأثیر فرهنگهای کهن در کشورهای غیرپیشرفته صنعتی شده است و برنامه‌ریزان آموزش و درسی باید راهمهای نوآرانه‌ای را برای تعامل مؤثر در جهان کنونی و حفاظت از ارزشها و هویت خود در برخورد با امواج عظیم فرهنگ بیگانه جهانی‌سازی کشف کنند و بکار گیرند. نظام جهانی‌سازی به کشورهای در حال توسعه فشار می‌آورد که از هزینه‌های دولتی در آموزش عمومی بکاهند و با تمرکززدایی و خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش شرایط مطلوب اقتصاد سرمایه‌ی جهانی را گسترش دهند و از این طریق دست بخش خصوصی را برای تعامل با نظام جهانی‌سازی بازتر گذارند. ابزار کار اساسی در بین نوع فرآیند آموزشی عبارت است از دفین زدن به رقابتهای شدید میان مدارس خصوصی و مدارس دولتی و ایجاد این تصور در میان عامه مردم که مدارس خصوصی بر مدارس دولتی برتری دارد. ابزار کار دیگر در این فرآیند، مصرف بخش اعظم بودجه‌های آموزش و پرورش دولتی در بخشهای اداری خارج از مدارس و هزینه‌های خارج از کلاس درس است که به کاهش امکانات آموزشی و پرورشی مدارس و پایین آمدن سطح زندگی معلمان منجر می‌شود.

کارنوی (۱۹۹۹، ص ۶۸) می‌نویسد ابدن‌نویزی جهانی‌سازی (و مراکز مانی جهانی‌سازی از قبیل بانک جهانی، بانک امریکایی توسعه، بانک آفریقای توسعه، بانک آسیایی توسعه، و سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه OECD) به طور آشکار و پنهان تأکید می‌کنند که بخش دولتی نباید برای بهبود وضع معلمان سرمایه‌گذاری کند یا دریافتهای آنان را افزایش دهد. زیرا در این صورت هزینه‌ها و کلیت آموزش و پرورش دولتی افزایش خواهد یافت و خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت دچار مشکل خواهد شد. ولتپتها نشان می‌دهند که اقدامات خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت اساساً در خدمت نظام جهانی‌سازی است و اجرای آنها در ازای کمکها و دولتهای بین‌المللی بانکهای کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال توسعه به شکلهای گوناگون به نظام دولتی کشورهای در حال توسعه و آموزش و پرورش این کشورها تحویل می‌شود.

به نوشته بن‌نیسته^۱ (۱۹۹۹)، دو کشورهایی چون آرژانتین، شیلی، برزیل و اوروگوئه از چنین روشهایی، استفاده شده و همچنان می‌شود. بررسیها نشان می‌دهند که اعمال این سیاستها سبب همدم و جذب شدن هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی و دومی کشور در فرهنگ جهانی‌سازی می‌شود. پژوهشهای اینگلهارت^۲ (۲۰۰۰) نیز حکای از رخ دادن تغییرات عظیم در ارزشهای مردم جهان به دلیل هجوم جهانی‌سازی است. این تحقیقات بیانگر تحولی نظام‌مند در ارزشها و باورهای مردم جهان و بازتاب تغییرات اقتصادی و فناوریهای صنعتی و نقش رسانه‌های مسلط جهانی در گسترش ارزشهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی غربی و به طور کلی، پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است. اکنون دیگر عوامل مؤثر بر رشد و پرورش فرزندان، منحصر به خانواده و جامعه و کشور نیست، بلکه، چه بخوایم و چه نخوانیم، متأثر از مناسبات جهانی است و شخصیت و هویت و نظام ارزشی فرزندان ما تحت تأثیر فرهنگ مسلط جهانی قرار دارد. ایستادگی در برابر این فشارها وظیفه یک نظام ملی و مستقل و هشدار تعلیم و تربیت است. بنابراین، به جای افتادن در دام جهانی‌سازی و راه و روشهای خصوصی‌سازی و تجاری‌کردن تعلیم و تربیت، باید سرمایه‌گذاری بیشتری برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش نیروی انسانی و برنامه‌ها و کارکردهای نظام آموزش و پرورش به عمل آید و همراه با بهره‌گیری درست از فرصتهای علمی و صنعتی و ارتباطی بین‌المللی، با جواب منفی فرهنگ جهانی‌سازی نیز مقابله شود.

خوشبختانه ما در شرایط زندگی می‌کنیم که با نظام جهانی‌سازی، آن گونه که راپرت^۳ (۲۰۰۲، ص ۱۵) می‌نویسد، حداقل در دو جبهه اصلی مقابله می‌شود: اول جبهه مردمان عادی کشورهای پیشرفته صنعتی که جهانی‌سازی را عامل گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی خود می‌دانند و دوم جبهه مردمان کشورهای غیرپیشرفته صنعتی که روز به روز بیدارتر می‌شوند و نه فقط وضعیت اقتصادی و اجتماعی بلکه هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را نیز در معرض تهدید برتر هجوم جهانی‌سازی می‌بینند و به مقابله با آن می‌پردازند.

از مطالعات پیشین ما (القدآبادی، ۱۳۸۲) برمی‌آید که مردم، در برخورد با مسأله جهانی‌شدن و نفوذ فرهنگ غربی، هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را فعلاً به سه صورت نشان می‌دهند. اولین واکنش مردم آن است که خود را به گذشته تاریخی خویش نزدیکتر کنند و در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت و با آن مخالفت نمایند. واکنش دیگر، که تسلیم‌پذیری و انفعال در برابر فرهنگ بیگانه را نشان می‌دهد، آن است که گروهی از مردم به گذشته خود توجهی نمی‌کنند و در فکر آنند که پدیده مسلط فرهنگی و اجتماعی کدام است و چگونه می‌توان آینده خود را، در ورای فرهنگ سنتی و کهن، با منطقیات جهان معاصر و نوجویی ناشی از آن سازمان داد. در واکنش سوم، که واکنشی فعال و منطقی است، گروهی از مردم در پی آن برمی‌آیند که گذشته را به حال و آینده پیوند بزنند و عناصر مثبت و درست فرهنگ و تمدن معاصر را روی ریشه‌های تاریخی و دینی و ملی خود بنا کنند. در میان دولتمردان و نخبگان نیز همین سه واکنش را می‌توان دید. مشابه این واکنشها را سه صورتیهای مختلف در قرن اخیر شاهد بوده‌یم.

مبنای نظری ما در این پژوهش آن است که تسلیم‌پذیری در مقابل پدیده جهانی شدن موجب تضعیف هویت دینی و ملی را فراهم می‌آورد. واکنشهای اتمالی در مقابل پدیده جهانی شدن، باعث می‌شود که فرهنگ و هویت افراد و گروهها تابع نظام جهانی سازی شود. این وضعیت به دو دلیل اتفاق می‌افتد. یکی آنکه ما برای تقویت هویت دینی و ملی دانش‌آموزان خود برنامه دقیق و مؤثری تدلیته باشیم و دوم آنکه با سهل‌انگاری خود و بازگذاشتن راههای نفوذ طرز تفکر و روحیات و رفتارهای جهانی سازی در اندیشه و قلب کودکان و نوجوانان و جوانان زمینهای گسترش نفوذ این پدیده را فراهم آوریم. اما پدیده جهانی سازی، واکنش فعال و سنجیده برای مقابله با هجوم فرهنگ و سبک زندگی بیگانه و دفاع از هویت تاریخی و فرهنگی را نیز در بین مردم وفادار به مصالح دینی و ملی و در بین اندیشمندان و نخبگان کشور برمی‌انگیزد و راههای چگونگی حفاظت از مبانی و اصول و محتوا و روش زندگی دینی و ملی ایرانی را پیش روی ما می‌گشاید.

مبنای دیگر نظری در این پژوهش آن است که نوجوانان و جوانان نمی‌توانند خود را از جهان جدا کنند و کشور ما نیز نمی‌تواند راه رشد خود را بدون توجه به واقعتهای جهانی دنبال کند. به بیان دیگر، ما در واکنش به پدیده جهانی شدن باید چنان کنیم که هم در تعامل با جهان کنونی باشیم و هم ارزشها و هویت خویش را پاسداری و تقویت کنیم و بر جهان انسانی اثر مثبت بگذاریم از چنین دیدگاهی است که در تحقیق ما سه نوع نگرش اصلی به پدیده جهانی شدن (نگرش لسانال و منطقی، نگرش مخالف و مقابله‌جویانه، و نگرش متغزل و تسلیم‌پذیر) بررسی می‌شود تا ببینیم نحوه نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما به "جهانی شدن"، چه اثری بر نظام ارزشی و حیات دینی و ملی آنان می‌گذارد و نظام آموزش و پرورش ما چه واکنشی باید در برابر آن نشان دهد.

به دلایلی که ذکر شد، بررسی چگونگی نگرش نوجوانان و جوانان کشور نسبت به پدیده جهانی شدن و جهانی سازی حائز اهمیت اساسی است و مخصوصاً باید دید که چه رابطه‌ای بین هویت دینی و هویت ملی آنان با نگرشی که به جهانی شدن دارند وجود دارد یا چنین هدفی است که ما مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی شدن را ساخته و در مورد دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا کرده‌ایم. شایان توضیح است که منظور ما از هویت دینی و ملی در این مقیاسها، خود اساسی و مستمر فرد در نگرش به عوامل و عناصر هویت دینی (اعتقادات دینی، عملکرد دینی) و هویت ملی (نگرش مثبت و جانبدارانه به ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، دفاع از سرزمین، سنن فرهنگی و ادب و زبان مشترک) و برخورد فعال و سازنده با مسئله جهانی شدن است.

روش، نمونه، و ابزارهای پژوهش

روش پژوهش در این طرح، پیمایشی و علی-مقایسه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل و تبیین مسئله نگرش دانش‌آموزان نوجوان و جوان ایران به "جهانی شدن" و تأثیر این نگرش بر نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان، حسب مورد، از نظریه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی، و روان‌شناختی استفاده شده است. در این پژوهش، بررسی تأثیر چگونگی نگرش به جهانی شدن متوجه ویژگیها و شباهتها و تفاوتهای ارزشی

و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم و سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و مقایسه مورد به مورد آنها نیز هست. همچنین، نقش متغیرها و عوامل واسطه‌ای (شامل سن، جنس، دوره تحصیلی، پایه تحصیلی، وضعیت پیشرفت تحصیلی با معدل نمره‌های دانش‌آموز، وضعیت روان‌شناختی دانش‌آموز، سطح سواد، سطح درآمد و منزلت شغلی پدر و مادر، نوع و حجم امکانات فرهنگی و رسانه‌ای در خانواده از قبیل کتاب و ماهواره و اینترنت، نگرش به مناسبات خانوادگی، نگرش به برنامه‌ها و کارکردهای مدرسه، و نگرش به نهادهای اجتماعی و فرهنگی پیرامون دانش‌آموز) در زمینه‌سازی نگرش به جهلی شدن و نظام ارزشی و هویت دینی و ملی، بررسی شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی دانش‌آموزان پسر و دختر در مقطع دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است که تعداد آنها حسب آمارنامه وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۱، ۲۲۶۲۳۷۸ نفر (شامل ۳۹۸۵۱۵۰ دانش‌آموز دبیرستانی، ۲۰۲۰۲۹۶ پسر و ۱۹۶۲۰۸۵۴ دختر) و دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی، ۲۵۱۲۹۳ پسر و ۲۲۵۹۳۵ دختر) بوده است. محاسبات مربوط به تعیین جامعه نمونه را با استفاده از روشهای ارائه شده در ششین ویراست کتاب روش تحقیق گال، بورگ، و گال^۱ (۱۹۹۶) و روش سادمن^۲ (۱۹۷۶) انجام داده‌ایم که رقمی کمتر از ۲۵۰۰ نفر را شامل شده است (این رقم، حسب سایر محاسبات آماری نمونه‌گیری، در حد فاصل احتمال خطای قابل قبول یک درصد و دو درصد قرار دارد).

از آنجا که پژوهش ما از نوع پس‌پایشی و بر اساس تحلیل‌های همبستگی و علی-مقایسه‌ای است، با توجه به متغیرهای اصلی و حجم دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی در شش استان مورد مطالعه (شامل مراکز استان و دو شهر غیرمرکزی در هر استان)، عده نمونه در استان تهران ۱۰۹۱ نفر، در استان مرکزی ۶۲۶ نفر، در چهارمحال و بختیاری ۶۳۷ نفر، در یزد ۵۷۷ نفر، در مازندران ۷۰۵ نفر، و در خراسان رضوی ۶۵۶ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی تعیین شد. به این ترتیب، با توجه به رعایت قانون کلی انتخاب بزرگترین نمونه لازم^۳، حجم نمونه تحقیق ما ۴۲۹۲ دانش‌آموز بوده است. در انتخاب این نمونه، ابتدا تمام استانهای کشور را از بابت جغرافیایی به شش منطقه (با جمعیت تقریباً برابر) تقسیم کرده و سپس به طریق تصادفی یک استان از هر منطقه را انتخاب کرده و در نهایت مدارس از مرکز و دو شهر دیگر هر استان را به صورت تصادفی برگزیدیم.

با توجه به حجم نمونه ۴۲۹۲ نفری این تحقیق از استانهای گوناگون کشور و به دلیل اهمیت متغیر جنسیت و متغیر دوره تحصیلی و کلاس دانش‌آموزان در دوره دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی، برای تعیین جایگاه افراد نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای از شش استان کشور در مرکز و شمال و جنوب و شرق و غرب (شامل استان تهران، استان مرکزی، مازندران، چهارمحال و بختیاری، یزد، و خراسان) استفاده شده است. در هر یک از شهرهای نمونه، بر حسب عده نمونه، حتی‌المقدور به‌طور

مسأوی از دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی پسرانه و دخترانه نمونه‌گیری شده است. دانش‌آموزان دختر و پسر هر مدرسه را از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و فقط مولودی را که به سؤالات پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ داده‌اند، در محاسبات منظور کرده‌ایم.

برای گردآوری اطلاعات مورد نظر، پرسشگران آموزش دیده، عموماً شامل کارشناسان ارشد روان‌شناسی، به مدارس منتخب مراجعه کردند و پس از شناسایی افراد نمونه و تبیین اولیه اهداف پژوهش و دادن پرسشنامه به آنان، به اجرای پرسشنامه پرداختند. این روش تکمیل حضوری پرسشنامه سبب شده است که هم تأثیرات احتمالی جتنی دیگران بر پاسخگویان و هم تعدد موارد بی‌پاسخ به حداقل کاهش یابد.

برای سنجش هر یک از مقوله‌های مورد مطالعه، با نظریه‌پردازی و بهره‌گیری و بازسازی مقیاس‌های موجود در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناس اجتماعی، علاوه بر پرسش‌هایی که مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگویان است، پرسشنامه‌ای ساخته‌ایم که حاوی هفت مقیاس است: نگرش به جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، مقیاس لطف‌آبادی - نروزی برای سنجش نظام ارزشی، مقیاس سنجش هویت دینی، مقیاس سنجش هویت ملی، مقیاس سنجش وضعیت روان‌شناختی، مقیاس سنجش برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه در مورد جهانی‌شدن، و مقیاس چگونگی فرزندپروری در خانواده.

پرسشها با گویه‌های مربوط به هر یک از این مقیاسها و خرده‌مقیاسها را بصورت مقیاس لیکرت تهیه کرده و با سه شیوه بررسی پایلوت، تحلیل عاملی و بهره‌گیری از تفاوت متخصصان به سنجش میزان روایی مقیاسها و خرده‌مقیاسهای ساخته‌شده پرداخته‌ایم. پایایی ابزارهای تحقیق نیز از طریق محاسبه ضریب پایایی آلفای کرونباخ سنجیده شده است. مراحل ورود و پردازش و استخراج و تحلیل داده‌های پرسشنامه با استفاده از رایانه و برنامه‌های SPSS انجام شده است.

به منظور شناخت هویت دینی و ملی و نگرش به جهانی‌شدن، ابزاری را که در سال ۱۳۸۱ برای همین مقصود ساخته و روی نمونه وسیع ملی از نوجوانان و جوانان سراسر ایران اجرا کرده بودیم، ابتدا در سال ۱۳۸۲ برای پژوهش دیگری روی نمونه وسیع ملی از افراد نوجوان تا سالخورده هشت استان کشور و سپس برای استفاده در طرح پژوهشی کنونی تجدید نظر نهایی کردیم. همچنین، روایی عاملی و پایایی ابزار نهایی تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه مقدماتی ۵۶۰ نفری این تحقیق برای ارزیابی مقیاسها و خرده-مقیاسهای طراحی شده، بررسی و تعیین شده است. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه مقیاس، روش شناخت‌شده محاسبه پایایی (از نوع آلفای کرونباخ) برای تعیین ضریب پایایی نیز استفاده شده و میانگین مقادیر پایایی با این روش برای هر مقیاس و هر خرده‌مقیاس به دست آمده است. پرسشنامه مقیاس سنجش هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن، حاوی ۸۴ سؤال است که ۲۱ سؤال آن به جهانی‌شدن (شامل سه خرده‌مقیاس)، ۲۸ سؤال به هویت دینی و اخلاقی (شامل چهار خرده‌مقیاس) و ۱۵ سؤال به هویت ملی (شامل دو خرده‌مقیاس) مربوط می‌شود. جدول ۱ نشان‌دهنده میزان پایایی هر یک از مقیاسها و خرده‌مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن است.

در تحلیل عاملی داده‌ها نیز که برای تعیین قابلیت سؤالات مقیاسها و خرده‌مقیاسها به کار گرفته شد، آزمون KMO انجام شد که ضریب به‌دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود ($KMO = 0/736$). همچنین آزمون کروییت بارنتل در سطح $P < 0/0001$ معنادار بود ($\chi^2 = 6543/21$). علاوه بر این، در تحلیل عاملی از روش مؤلفه‌های اصلی و بارهای عاملی 0/50 برای تعیین حداقل همبستگی قابل قبول میان هر ارزش و عامل استخراج‌شده استفاده شد و نتایج آن نشان داد که خرده‌مقیاسهای مربوط به هر مقیاس به عنوان عوامل قوی معنادار با ارزش ویژه بالاتر از 1 (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تعیین ۶۸٪ درصد واریانس کلی) در ابزار سنجشی ما وجود دارد.

در مورد ارزشها، یعنی ترجیح معین باورها و طرزفکرها و رفتارها در حوزه‌های کنی پایه‌ای و متعالی، از مقیاس سنجش نظام ارزشی لطف‌آبادی- نوروزی (۱۳۸۳) به‌صورت پرسشنامه‌ای حاوی ۲۵۰۹۰ پرسش برای سنجش ده مقوله پایه‌ای در نظام ارزشی شخص در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی، و جهانی استفاده شد. این مقیاس قبلاً روی یک نمونه آزمایشی ۵۶۸ تری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا شده تا علاوه بر روایی محتوا و روایی سازه آن، که با بررسیهای نظری و تخصصی تأمین شده بود، با بررسیهای تحلیلی عاملی نتایج حاصل، روایی آن از جنبه تحلیل آماری نیز محرز شود. با استفاده از این مقیاس، به دو گروه از اطلاعات (یکی ترجیح ارزشی در ده مقوله مورد نظر و دیگری شدت جهت‌گیری ارزشی در هر یک از این مقولات) دسترسی پیدا می‌کنیم.

برای سنجش وضعیت روان‌شناختی (بر اساس تعیین مقیاس سنجش وضعیت روان‌شناختی شامل پنج متغیر مربوط به عوامل روان‌شناختی - یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، برعکس‌نگری و روحیه خلاقیت) - که مجموعه آنها طیفی از سلامت روانی تا داشتن مشکلات روانی را شامل می‌شود) و سنجش

جدول ۱- مقادیر پایه‌ای برای مقیاسها و خرده‌مقیاسهای هویت دینی، هویت ملی و جهانی شدن

مقیاسها	خرده‌مقیاسها
هویت دینی ۰/۸۱	هویت اعتقادی ۰/۸۸ هویت عملکردی ۰/۸۳ سخت‌گیرانه دینی ۰/۷۹ سهل‌انگازانه دینی ۰/۸۳ هویت اخلاقی ۰/۸۱
هویت ملی ۰/۸۶	ایران دوستی ۰/۸۴ هویت دفاع از سرزمین ۰/۸۸
نگرش به جهانی شدن ۰/۷۹	پذیرش ۰/۸۶ مقابله با جهانی شدن ۰/۸۰ جهانی‌نگری و ۰/۸۱ ایران‌گرایی ۰/۸۱

در تحلیل عاملی داده‌ها نیز که برای تعیین قابلیت سؤالات مقیاسها و خرده‌مقیاسها به کار گرفته شد، آزمون KMO انجام شد که ضریب به‌دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود ($KMO = 0/736$). همچنین آزمون کرویت بارنلت در سطح $P < 0/0001$ معنادار بود ($\chi^2 = 6543/21$). علاوه بر این، در تحلیل عاملی از روش مؤلفه‌های اصلی و بارهای عاملی $0/50$ برای تعیین حداقل هبستگی قابل قبول میان هر ارزش و عامل استخراج‌شده استفاده شد و نتایج آن نشان داد که خرده‌مقیاسهای مربوط به هر مقیاس به عنوان عوامل قوی معنادار یا ارزش ویژه بالاتر از ۱ (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تعیین ۶۸٪ درصد واریانس کلی) در ابزار سنجش ما وجود دارد.

در مورد ارزشها، یعنی ترجیح معین باورها و طرزفکرها و رفتارها در حوزه‌های کلی پایه‌ای و متعالی، از مقیاس سنجش نظام ارزشی لطف‌آبادی-نوروزی (۱۳۸۳) به‌صورت پرسشنامه‌ای حاوی ۴۵۰۹۰ پرسش برای سنجش ده مقوله پایه‌ای در نظام ارزشی شخص در حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی، و جهانی استفاده شد. این مقیاس قبلاً روی یک نمونه آزمایشی ۵۶۸ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگامی اجرا شده تا علاوه بر روایی محتوا و روایی سازه آن، که با بررسی‌های نظری و تخصصی تأمین شده بود، با بررسی‌های تحلیل عاملی نتایج حاصل، روایی آن از جنبه تحلیل آماری نیز محرز شود. با استفاده از این مقیاس، به دو گروه از اطلاعات (یکی ترجیح ارزشی در ده مقوله مورد نظر و دیگری شدت جهت‌گیری ارزشی در هر یک از این مقولات) دسترسی پیدا می‌کنیم.

برای سنجش وضعیت روان‌شناختی (بر اساس تعیین مقیاس سنجش وضعیت روان‌شناختی شامل پنج متغیر مربوط به عوامل روان‌شناختی - یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیه خلاقانگی - که مجموعه آنها طیفی از سلامت روانی تا داشتن مشکلات روانی را شامل می‌شود) و سنجش

جدول ۱- مقادیر پایایی برای مقیاسها و خرده‌مقیاسهای هويت دینی، هويت ملی و جهانی شدن

مقیاسها	خرده‌مقیاسها
هویت دینی ۰/۸۱	هویت اعتقادی ۰/۸۸ هویت عملکردی ۰/۸۳ سخت‌گیرانه دینی ۰/۷۹ سهل‌انگاره دینی ۰/۸۳ هویت دینی اخلاقی ۰/۸۳
هویت ملی ۰/۸۶	ایران دوستی ۰/۸۲ هویت دفاع از سرزمین ۰/۸۸
نگرش به جهانی شدن ۰/۷۹	پذیرش جهانی سازی ۰/۷۶ مقابله با جهانی شدن ۰/۸۰ جهانی‌نگری و ایران‌گرایی ۰/۸۱

عوامل محیطی پیرامون (بر اساس تعیین مقیاس سنجش وضعیت خانواده و مدرسه که روایی و پایایی آن هم در بررسیهای پیشین (لطف آبادی، ۱۳۸۲) و هم در بررسیهای پایلوت احراز شده است) گویه‌های خرده‌مقیاسها (در طیف شش درجه‌ای لیکرت) به دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ارائه شده است.

هدفها و سؤالهای تحقیق

در شرایط پیچیده جهان کنونی و تحولات عظیمی که اعتقادات و سبک زندگی و نظام ارزشی و هویت نوجوانان و جوانان را دگرگون می‌کند، ما در پژوهش "بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان" در پی آن بوده‌ایم که:

۱. چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی (شامل سه سال اول دبیرستان و پیش‌دانشگاهی) ایران را به پدیده جهانی‌شدن بررسی کنیم؛

۲. معلوم کنیم که نگرشهای گوناگون (متفعل و مخالف و فعال) به این پدیده در میان نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایرانی چه تأثیری بر نظام ارزشی و هویت ملی آنان دارد؛

۳. ببینیم عوامل مؤثر بر نگرش فعال و مخالف و متفعل به پدیده جهانی‌شدن در میان گروههای مختلف سن و جنسی و تحصیلی و اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کدام است؛

۴. معلوم کنیم نقاط قوت و ضعف نظام ارزشی و هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان مشغول به تحصیل در آموزش متوسطه عمومی و پیش‌دانشگاهی کشور به چه صورتی است و در هر مورد تا چه اندازه از چگونگی نگرش آنان به جهانی‌شدن تأثیر می‌پذیرد؛

۵. برای شناخت راه و روشهای واکنش مناسب (واکنش فعال و متفعل) در مقابل پدیده جهانی‌شدن زمینه‌سازهای لازم را فراهم آوریم.

برای دستیابی به این هدفها علاوه بر پرسشهای متوسط به ویژگیهای فردی دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی با نظریه‌پردازی و بهره‌گیری و بازیابی مقیاسهای موجود در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، پرسشنامه‌های حاوی هفت مقیاس نگرش به جهانی‌شدن، سنجش نظام ارزشی، سنجش هویت دینی، سنجش هویت ملی، سنجش وضعیت روان‌شناختی، سنجش نگرش دانش‌آموزان به برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه در مورد جهانی‌شدن، و سنجش نگرش دانش‌آموزان به خانواده) ساختیم و روایی و پایایی آنها را مطالعه و احراز کردیم.

همچنین، برای دستیابی به هدفهای پژوهشی، پنج سؤال اصلی و شش سؤال فرعی در این تحقیق طرح کردیم که عبارت است از:

۱. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نگرشی به پدیده جهانی‌شدن دارند؟

۲. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش متغعل و مخالف و فعال دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده جهانی شدن کدام است؟

۳. نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

۴. هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه وضعیتی دارد؟

۵. به نوع نگرش متغعل و مخالف و فعال به پدیده جهانی شدن چه رابطه‌ای با نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارد؟

۶. تفاوت نگرش به جهانی شدن دو میان دختران و پسران دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چیست؟

۷. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی چه تفاوتی در نگرش به پدیده جهانی شدن دارند؟

۸. تفاوت نگرش به پدیده جهانی شدن در بین نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به گروه‌های گوناگون اقتصادی-اجتماعی کدام است؟

۹. زمینه‌های متفاوت فرهنگی در بین دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نمودی در نگرش آنان به پدیده جهانی‌سازی دارد؟

۱۰. کدام عوامل روان‌شناختی، زمینه‌ساز نگرش متغعل و مخالف و فعال نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایرانی به پدیده جهانی‌شدن است؟

۱۱. هر یک از عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی تا چه اندازه زمینه‌ساز تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است؟

برای پاسخگویی به این سؤالات، پاسخ دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی را به پرسشنامه پژوهش و گونه‌های هفت مقیاس سنجش در این پرسشنامه تحلیل کردیم؛ ضمناً از آنجا که طرح پژوهشی ما از نوع طرح‌های غیرتجربی و همزمان از نوع تحلیل پیمایشی اکتشافی (نظرسنجی) و نیز از نوع پرسش‌های علی-مقایسه‌ای است، علاوه بر آمارهای توصیفی و همبستگی، از آمارهای استنباطی، مقایسه‌ی میانگینها با استفاده از تحلیل واریانس آنوال،زمون تی و در صورت نیاز اندازه‌های غیرپارامتریک، از آزمون یومن-ویتنی استفاده کرده‌ایم. در مورد تحلیل‌های علی تحقیق و جستجوی پاسخ به سؤالات تحقیق و آزمودن مدل‌های اصلی پژوهش، هم از رگرسیون چندمتغیره و هم از رگرسیون چندمتغیره خطی با روش گام به گام استفاده کرده‌ایم.

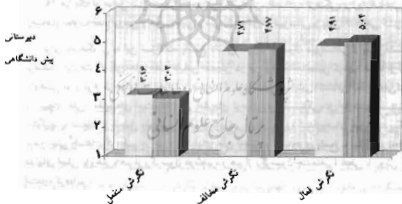
بررسی یافته‌های پژوهشی

در اینجا خلاصه یافته‌های پژوهشی خود را در مورد بازده سؤال اصلی و فرضی تحقیق بررسی فرار می‌کنیم:

سؤال ۱. دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نگرشی به پدیده جهانی شدن دارند؟

یافته‌های پژوهشی مربوط به این سؤال را در شکل ۱ ارائه کرده‌ایم.

در شکل ۱ نشان داده شده است که لولاً نگرش فعال و مخالف هر دو گروه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی (در مقیاسی با حداقل نمره ۱ و حداکثر نمره ۶) در سطحی بسیار بالاتر از نگرش منفعل آنان به پدیده جهانی‌سازی است. ناتیماً (بر اساس تحلیل‌های آماری، با احتمال ۹۹ درصد) می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی به پذیرش جهانی‌سازی تمایل دارند و ثالثاً (آن گونه که تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد، با احتمال ۹۹/۹ درصد) می‌توان گفت که دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی، در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی، نگرش فعال‌تر و متقن‌تری به مسئله جهانی‌شدن دارند. در عین حال، نگرش منفعل نزدیک به میانگین دانش‌آموزان نوجوان ایران به پدیده جهانی‌سازی و پذیرش آن هتشلودخته است و باید به خصوص برای آن دسته از دانش‌آموزانی که چنین نگرشی دارند، برنامه‌های آموزشی متناسبی تدفک دید.



شکل ۱- نمودار ستونی میانگین نمره‌های انواع نگرش دانش‌آموزان به پدیده جهانی‌شدن

سؤال ۲. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش متغعل و مخالف و فعال دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگامی به

پدیده جهانی شدن کدام است؟

متن‌آور از عوامل زمینه‌ای مؤثر در این سؤال، چهار گروه از عوامل است که عبارت‌اند از: الف) عملکرد و روابط خانوادگی (شامل خرده‌مقیاس‌های خانواده پاسخگو، خانواده سهل‌گیر، خانواده مستبد، خانواده طردکننده، خانواده آشفته، عملکرد دینی خانواده، و عملکرد ملی خانواده)؛ ب) عملکرد مدرسه در قبال مقوله جهانی شدن (شامل خرده‌مقیاس‌های آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، آموزش جهانی شدن در جریان تدریس، آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه، و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای بروز واکنش مناسب در قبال جهانی شدن)؛ ج) نظام هویتی (دربگیرنده دو بعد اساسی هویت پهن هویت دینی، شامل خرده‌مقیاس‌های هویت اعتقادی دینی، هویت عملکردی دینی، هویت اخلاقی و هویت سهل‌نگارانه دینی، و هویت ملی، شامل خرده‌مقیاس‌های ایران‌دوستی، و هویت دفاع از سرزمین)؛ د) عوامل روانشناختی (دربگیرنده پنج متغیر نیروی زندگی، اضطراب، انسرمگی، پرخاشگری، و روحیه خلاقیتی که مجموعه آنها طیفی از سلامت روانی تا داشتن مشکلات روانی را شامل می‌شود.

چگونگی و میزان تأثیر هر یک از عوامل خانوادگی، مدرسه و وضعیت هویت و سلامت روانی نوجوانان دانش‌آموز در نگرش‌ها و ارزش‌های آنان به شرح زیر است:

الف) نتایج آماری مربوط به پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاس‌های مربوط به عملکرد خانواده نشان می‌دهد که فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومندی دارند و نیز فرزندان خانواده‌های پاسخگو نگرش‌های فعال‌تری به پدیده جهانی‌سازی دارند، لذا آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگامی که نحوه فرزندپروری در خانواده‌هایشان همراه با سهل‌گیری، استبداد و طرد کردن است به پدیده جهانی‌سازی نگرش پذیرا و انفعالی دارند.

ب) تحلیل‌های آماری مربوط به پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاس‌های مربوط به عملکرد مدرسه حاکی از آن است که در معنودوی از مدارس (خاصه در برخی مدارس تهران) که مسائل مربوط به جهانی شدن در برنامه‌های درسی با فعالیت‌های فوق‌برنامه به‌نحوی گنجانده شده، تبادل‌شاگردان برای پذیرش جهانی‌سازی (نگرش متغعل) بیشتر است.

ج) در مورد پیش‌بینی پذیرش جهانی‌سازی با خرده‌مقیاس‌های مربوط به هویت، تحلیل‌های ما نشان می‌دهد که آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگامی که دچار ضعف در هویت دینی، دفاع از سرزمین، اخلاقی، اعتقادی دینی، ایران‌دوستی و عملکردهای دینی‌اند، در برابر جهانی‌سازی نیز نگرش متغعل و پذیرا دارند. در این

میان هویت سهل انگارانه دینی (با ضریب پشای ۰/۴۱) بیشترین قدمت پیش‌بینی نگرش متعقل به پذیرش جهانی‌سازی را دارد.

د) نتایج پیش‌بینی مقابله با جهانی‌شدن با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد خانواده حاکی از آن است که فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومند و سبک فرزندپروری پاسخگو دارند، نگرش مخالف با جهانی‌سازی دارند، اما فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر و خانواده‌های آشفته مقابله‌جویی کمتری با پدیده جهانی‌سازی نشان می‌دهند.

ه) نتایج پیش‌بینی مقابله با جهانی‌شدن (نگرش مخالف) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد مدرسه حاکی از آن است که برنامه‌ها و عملکرد مدارس در زمینه آماده‌سازی دانش‌آموزان برای واکنش مناسب در قبال جهانی‌شدن و گنجاندن آموزش جهانی‌شدن در جریان تدریس برای دستیابی آنان به نگرش فعال و متعقل به پدیده جهانی‌شدن، موفقیت‌ناک است.

و) یافته‌های پژوهشی ما در مورد پیش‌بینی مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف) با خرده‌مقیاسهای مربوط به هویت نشان می‌دهد که هویت دفاع از سرزمین قدمت پیش‌بینی بسیار نیرومندی در نگرش مقابله‌جویانه دانش‌آموزان نوجوان به پدیده جهانی‌سازی دارد. هویت عملکردی دینی نیز، برخلاف هویت سهل‌انگارانه دینی، قدمت پیش‌بینی نگرش مقابله‌جویانه با جهانی‌سازی را داراست.

ز) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد خانواده حاکی از آن است که نگرش فرزندان خانواده‌هایی که عملکرد دینی و ملی نیرومندی دارند، به پدیده جهانی‌شدن فعال است. این گروه از نوجوانان هم نگرش فعالی به مسائل جهانی دارند و هم گرایش ملی و ایروان‌دوستی در آنان قوی‌تر است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که عملکرد دینی خانواده بیشترین تأثیر را بر نگرش فعال دانش‌آموزان دارد. برعکس، فرزندان خانواده‌های طردکننده و خانواده‌های سهل‌گیر، نگرش فعال کمتری به پدیده جهانی‌شدن نشان می‌دهند.

ح) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به عملکرد مدرسه بیانگر آن است که آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم نوجوانان در دبیرستانها در مورد موضوع جهانی‌شدن موفقیتی ندارد و نظر دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی غالباً آن است که گنجاندن آموزش جهانی‌شدن در برنامه‌ها و جریان تدریس و فعالیت‌های فوق برنامه کافی و مناسب نبوده و نتوانسته نگرش فعال و معقولی را در آنان ایجاد کند.

ط) نتایج پیش‌بینی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) با خرده‌مقیاسهای مربوط به نظام هویت نشان می‌دهد که آن دست از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی که دارای هویت ملی (در دو جنبه آمادگی دفاع از

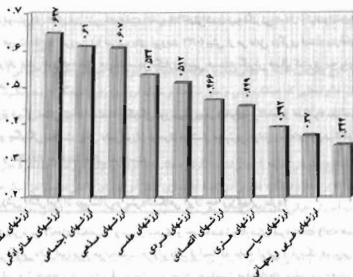
سرزمین و ایران دوستی) و اعتقاد دینی نیرومند هستند، به پدیده جهانی شدن نیز نگرش لغال و معقول دارند. نلدوت پیش‌بینی هویت دفاع از سرزمین (با ضریب بنای نیرومند ۰/۳۲) بیش از هر عامل دیگری است. برعکس، آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که دچار هویت سهل‌انگاری دینی هستند نگرش لغال کمتری به پدیده جهانی شدن دارند.

پایته‌های فوق همگی حاکی از آن است که چگونگی فرزندپروری در خانواده، برنامه‌ها و عملکرد مدرسه و وضعیت هویت و چگونگی سلامت روانی دانش‌آموزان نوجوان در شمار مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش منفعل و مخالف و فعال آنان به پدیده جهانی شدن است.

سؤال ۳. نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

نظام ارزشی از درونی‌ترین لایه‌های شخصیت و نیروی محرکه و جهت‌دهنده رفتارهای فرد است و به همین دلیل در چگونگی نگرش دانش‌آموزان نوجوان اهمیت فراوان دارد. از آنجا که جامعه ایرانی و فرهنگ عمومی ما در مورد نظام ارزشی و ترجیحات و شدت ارزشی نوجوانان و جوانان حساسیت فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهد، حا دارد که بینیم نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به چه صورتی است و نیرومندی هر یک از ارزشهای این نوجوانان تا چه اندازه است. نمودار زیر، که ترتیب و شدت ترجیحات ارزشی نوجوانان دانش‌آموز را نشان می‌دهد، حاکی از واقعیت‌های جالب توجهی است و لازم است دقیق‌تر بررسی شود.

در شکل شماره ۲ نشان داده شده است که از میان ده ارزش بررسی شده، مهم‌ترین ارزشهای مورد توجه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما، به ترتیب اهمیت، عبارت‌اند از: ۱. ارزشهای ملی، ۲. ارزشهای خانوادگی، ۳. ارزشهای اجتماعی، ۴. ارزشهای مذهبی، ۵. ارزشهای علمی، ۶. ارزشهای فردی، ۷. ارزشهای اقتصادی، ۸. ارزشهای هنری، ۹. ارزشهای سیاسی، و ۱۰. ارزشهای غریبی و جهانی. جالب توجه است که برای دانش‌آموزان ایرانی، ارزشهای ملی و تمایلات بین‌دوستی (با میانگین ۰/۶۵) در طیفی از مقادیر صفر تا یک، بیش از هر چیز اهمیت دارد. برعکس، اهمیت گرایش به سیاستهای جهانی شدن (با میانگین ۰/۳۲) کمتر از هر چیز دیگری است. نکته مهم دیگر این است که، بلافاصله پس از تبیین دوستی، ارزشهای خانوادگی (با میانگین ۰/۶۱) قرار می‌گیرد که برای دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما حائز بیشترین اهمیت است. از سوی دیگر، شاهد هستیم که برای دانش‌آموزان ماکثرین اهمیت را، پس از ارزشهای جهانی‌سازی، ارزشهای سیاسی (با میانگین ۰/۳۷)، دارد. ارزشهای اجتماعی (با میانگین ۰/۶۱) و ارزشهای مذهبی (با میانگین ۰/۵۳) نیز مورد توجه این نوجوانان است. در مرتبه بعدی ارزشهای علمی است که با میانگین ۰/۵۱ مورد توجه دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی قرار می‌گیرد.

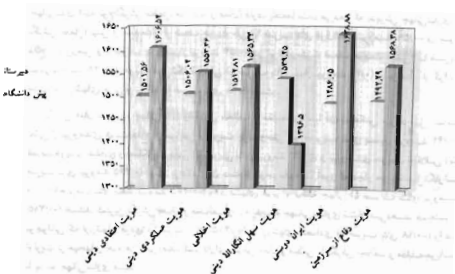


شکل ۲- نمودار ستونی میانگین نمره‌های نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی

سؤال ۴. هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه وضعیتی دارد؟

شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت دینی (هویت اعتقادی، عملکردی، اخلاقی، و سهل‌انگاریانه دینی) و هویت ملی (شامل ایران‌دوستی و دفاع از سرزمین) در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی چه وضعیتی دارد.

با توجه به میانگین رتبه‌های این دو گروه می‌بینیم که در هویت اعتقادی دینی، ایران‌دوستی و دفاع از سرزمین، میانگین دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی بیش از دانش‌آموزان دبیرستانی است. اما در مورد هویت سهل‌انگاریانه دینی، چنان‌که انتظار می‌رفت، میانگین رتبه‌های دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از میانگین رتبه‌های دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. این یافته‌ها بیانگر آن است که دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی، رشد یافته‌تری در هویت اعتقادی دینی، هویت ایران‌دوستی، و هویت دفاع از سرزمین نشان می‌دهند. برعکس، هویت سهل‌انگاریانه دینی دانش‌آموزان دبیرستانی نیرومندتر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. مسلماً این تفاوتها به سن دانش‌آموزان موثره بحث نیز مربوط است، لذا نمی‌توان نقش عوامل دیگری، چون موفقیت تحصیلی و اطلاعات و هوشمندی بیشتر دانش‌آموزان



شکل ۳- نمودار ستونی مقایسه نمره‌های زبانه‌ای هویت دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگامی

پیش‌دانشگامی را نادیده گرفت. از آنجا که گروه وسیعی از دانش‌آموزان دبیرستانی به پایه تحصیلی بالاتر وارد نمی‌شوند، جا دارد که برای تربیت هویت دینی و ملی آنان برنامه‌های لازم تدوین شود و به مرحله اجرا درآید تا آنان نیز، همانند دانش‌آموزانی که در پایه پیش‌دانشگامی تحصیل می‌کنند، رشد یافته‌تری در هویت خود نشان دهند.

سؤال ۵- سه نوع نگرش منفعل و مخالف و فعال به پدیده جهانی‌شدن چه رابطه‌ای با نظام آموزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگامی دارد؟

در پاسخ به این سؤال، یافته‌های پژوهش ما نشان می‌دهد که اولاً بین نگرش منفعل به جهانی‌سازی از یک سو و نگرش مخالف و فعال به آن از سوی دیگر همبستگی منفی بسیار نیرومند (-0.70 و -0.50) وجود دارد. همچنین، نگرش مخالف و نگرش فعال همبستگی مثبت و بسیار نیرومند (0.65) دارند؛ بنابراین، می‌توان گفت که نگرش منفعل در مقابل دو نوع نگرش مخالف و فعال قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن عموماً همراه با نگرش مخالف و مقابله‌جویانه با آن نیز هست.

نکته دوم در یافته‌های پژوهش مربوط به این سؤال آن است که نظام آموزشی و مؤلفه‌های هویت، قدرت بالایی برای پیش‌بینی نوع نگرش نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگامی به پدیده

جهانی شدن (سه نوع نگرش منفعل، مخالف، و فعال) دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پذیرش جهانی‌سازی (با نگرش منفعل) بیش از همه متأثر از ضعف هویت ملی (با ضریب بتای فوق‌العاده نیرومند $0/59$ - در مورد دفاع از سرزمین و با ضریب بتای بسیار نیرومند $0/52$ - در ایراندوستی)، ضعف هویت دینی (با ضریب بسیار نیرومند $0/49$ - هویت سهل‌انگازانه دینی (با ضریب بتای بسیار نیرومند $0/40$) و نیز متأثر از گرایش مثبت به ارزشهای غربی و بیگانه (با ضریب بتای $0/28$) است.

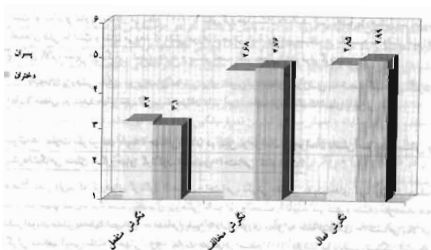
نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن و نگرش مخالف با مقابله‌جویانه با آن، برعکس مورد قبل، اساساً ناشی از نیرومندی هویت دفاع از سرزمین و هویت ایراندوستی (با ضریب بتای بسیار نیرومند $0/44$)، قدرت هویت اعتقادی و عملکردی دینی (با ضریب بتای نیرومند $0/37$)، و نیرومندی هویت اخلاقی (با ضریب بتای نیرومند $0/365$) است. برعکس، آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که دچار هویت سهل‌انگارانه دینی (با ضریب بتای بسیار نیرومند $0/275$ -) و گرایشهای غربی و بیگانه جهانی (با ضریب بتای نیرومند $0/215$ -) هستند کمترین نگرش فعال و مخالف را به پدیده جهانی‌سازی نشان می‌دهند. همچنین، نوجوانانی که ارزشهای فردی (با ضریب بتای $0/205$ -) و ارزشهای اقتصادی (با ضریب بتای $0/18$ -) را در اولویت ترجیحهای خود قرار می‌دهند، کمتر دارای نگرش فعال و منطقی یا نگرش مخالف و مقابله‌جویانه با پدیده جهانی‌سازی هستند.

یافته‌های بسیار مهم این پژوهش رهنمودهای ارزشمندی برای برنامه‌ریزی تربیت هویت دینی و ملی و اجتماعی و جهانی دانش‌آموزان در اختیار قرار می‌دهد.

سؤال ۶: تفاوت نگرش به جهانی‌شدن در میان دختران و پسران دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چیست؟

بررسیهای ما نشان می‌دهد که اولاً نگرش عموم دانش‌آموزان براساس برشورد فعال و منطقی و مخالفت و مقابله با پدیده جهانی‌سازی است؛ به طوری که در مقیاس مورد مطالعه (با میانگین $3/5$) نمره نگرش فعال و مخالف نزدیک به ۵ و نمره نگرش منفعل کمی بیشتر از ۳ است، ثانیاً دختران از این بابت به صورتی معنادار (اما اندک) جلوتر از پسران هستند. (شکل ۲ این وضعیت را نشان می‌دهد).

یافته‌ها و نمودار مذکور نشان می‌دهد که، با احتمال ۹۹ درصد، می‌توان گفت پسران بیش از دختران به پذیرش جهانی‌سازی تمایل نشان می‌دهند و نگرش منفعل بیشتری دارند. با همین میزان احتمال، روحیه مقابله با جهانی‌شدن (نگرش مخالف) در دختران بیش از پسران است. همچنین، دختران، در مقایسه با پسران، نمرات بیشتری در خرده‌مقیاس جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال) بدست آوردند.



شکل ۲- نمودار ستونی مقایسه نمره‌های رتبه‌ای نگرش دانش‌آموزان پسر و دختر به پدیده جهانی‌شدن

سؤال ۷. چه تفاوتی در نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده جهانی‌شدن وجود دارد؟

از آنجا که عده دانش‌آموزان دبیرستانی در آموزش متوسطه عمومی در شهرهای کشور نزدیک به ۴ میلیون نفر و عده دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرها کمی بیش از ۵۵۰ هزار نفر است (یعنی تعداد دانش‌آموزان دبیرستانی تقریباً هفت برابر بیش از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است)، و دانش‌آموزان پیشرفته‌تر دبیرستانی امکان ورود به تحصیلات پیش‌دانشگاهی را پیدا می‌کنند. انتظار طبیعی آن است که درک و دریافتها و اطلاعات این دسته اخیر بیشتر از گروه قبلی باشد. یافته‌های پژوهش ما نیز همین انتظار است و می‌بینیم که نگرش فعال و مخالف در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی بیشتر و نگرش منفعل و پذیرا به پدیده جهانی‌سازی کمتر است.

همچنین، دانش‌آموزان نوجوان پایه اول دبیرستان، در مقایسه با دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، تمایل بیشتری به پذیرش جهانی‌سازی نشان می‌دهند. در نگرش مخالف (یعنی مقابله با جهانی‌سازی)، دو گروه دانش‌آموزان اول و سوم دبیرستان (دو سطح ۰۰۶) و نیز دانش‌آموزان پایه اول و پیش‌دانشگاهی (در سطح ۰۰۵) با یکدیگر تفاوت معنادار نشان داده‌اند. دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان و دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی نمره بیشتری را در نگرش مخالف به خود اختصاص داده‌اند. این بدان معنا است که دانش‌آموزانی که دوران نوجوانی را پشت سر می‌گذارند و به آسانه جوانی می‌رسند تمایل بیشتری برای مقابله با جهانی‌سازی پیدا می‌کنند. در نگرش فعال و منطقی (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) دانش‌آموزان اول دبیرستان، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان، کمترین نمره را به

دست آورده‌اند و تفاوت معنادار در سطح $0/001$ با سایر گروه‌ها نشان داده‌اند. این یافته پژوهشی نیز مؤید یافته‌های فیلی ما است و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان نوجوان پایه اول دبیرستان، در مقایسه با دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر، تمایل آبران‌گرای کمتری دارند و بیشتر تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهشی مذکور نیز راه‌نمای مناسبی برای تدوین برنامه‌های آموزشی به قصد گسترش نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن در بین نوجوانان دانش‌آموز، خاصه نوجوانان کلاسهای پایین‌تر، است.

سؤال ۸. تفاوت نگرش به پدیده جهانی‌شدن در بین نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به گروه‌های گوناگون اقتصادی- اجتماعی کدام است؟

قاعده‌آناً انتظار داریم که گروه‌های گوناگون اقتصادی- اجتماعی، نگرش متفاوتی به پدیده‌های گوناگون و از جمله به پدیده جهانی‌شدن داشته باشند. یافته‌های پژوهشی ما نیز این واقعیت را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی- اجتماعی پایین با دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی- اجتماعی بالا در نگرش مخالف (یعنی مقابله با جهانی‌سازی) تفاوت معنادار در سطح $0/001$ دارند. با بررسی میانگین این دو گروه در نگرش مقابله با جهانی‌سازی، دریافتیم که گروه دانش‌آموزان طبقه پایین اقتصادی- اجتماعی نمره بالاتری، در مقایسه با طبقه بالا، دارند. به عبارت دیگر، روحیه مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف) در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به طبقات پایین اقتصادی بیشتر از دانش‌آموزان متعلق به طبقات اقتصادی متوسط و بالا است.

مطالعه دقیق‌تر گروه‌های متعلق به طبقات اقتصادی- اجتماعی نشان داد که روحیه مقابله با جهانی‌سازی، به ترتیب، بیش از همه در دانش‌آموزان طبقه اقتصادی- اجتماعی پایین، بعد بلافاصله در میان دانش‌آموزان متعلق به طبقه اقتصادی- اجتماعی نسبتاً پایین (در واقع گروه اول و دوم چون تفاوت معناداری با یکدیگر نشان ندادند) در مقابله با جهانی‌سازی وضیت تقریباً یکسانی دارند)، سپس در بین دانش‌آموزان طبقه اقتصادی- اجتماعی نسبتاً بالا و آخر سر، با مقداری فاصله، در دانش‌آموزان طبقه اقتصادی- اجتماعی بالا دیده می‌شود. به بیان دیگر، هر چه طبقه اقتصادی دانش‌آموزان بالاتر است، تمایل بیشتری به جهانی‌شدن و تمایل کمتری به مقابله با جهانی‌سازی از خود نشان می‌دهند.

سؤال ۹. زمینه‌های متفاوت فرهنگی در بین دانش‌آموزان نوجوان و جوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران چه نمودی در نگرش آنان به پدیده جهانی‌سازی دارد؟

برای پاسخگویی به این سؤال و برای تعیین وضیت فرهنگی دانش‌آموزان نوجوان ایران، تحصیلات پدر و مادر، تعداد کتابهای غیردرسی در خانه، و برخورداری از سایر امکانات فرهنگی را مبنای اندازه‌گیری قرار دادیم.

یافته‌های پژوهشی ما نشان داد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه فرهنگی پایین و متوسط با دانش‌آموزان متعلق به طبقه بالای فرهنگی در نگرش‌های پذیرش جهانی‌سازی، و مقابله با جهانی‌سازی تفاوت

معتادار دارند. این تفاوتها در مورد دو گروه پایین و بالا در هر دو خرده‌مقیاس در سطح ۰/۰۰۰ و در مورد گروه متوسط و بالا در سطح ۰/۰۰۲- معتادار است. با بررسی مبانیها دریابیم که در نگرش منفعل یعنی در پذیرش جهانی‌سازی، گروههای بالای فرهنگی (که متعلق به خانواده‌های تحصیلکرده‌تر و بنا امکانات فرهنگی بیشتریند)، در مقایسه با گروههای منقل به وضعیت فرهنگی پایین و متوسط، نمره بالاتری کسب کرده‌اند، به این معنا که روند جهانی‌سازی را بیشتر پذیرفته‌اند. همین گروه از دانش‌آموزان در نگرش مخالف یعنی در مقابله با جهانی‌سازی کمترین نمره می‌کنند. این بدان معنا است که آن گروه از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به خانواده‌های تحصیلکرده‌تر (و از نظر اقتصادی نیز در طبقات بالاتر) هم نگرش منفعل‌تری به پدیده جهانی‌سازی دارند و هم نگرش مخالف کمتری به این پدیده نشان می‌دهند.

بررسیهای دقیق‌تر نشان داد که دانش‌آموزان متعلق به طبقه فرهنگی پایین، نسبتاً پایین، و نسبتاً بالا با دانش‌آموزان متعلق به طبقه بالای فرهنگی در نگرش مخالف یا مقابله با جهانی‌سازی تفاوت معتادار دارند. این تفاوت در مورد اول در سطح ۰/۰۰۱ و در دو مورد بعدی در سطح ۰/۰۱ معتادار است. به تعبیر دیگر، طبقه بالای فرهنگی کمتر از سایر گروهها نگرش مخالف و تمایل به مقابله با جهانی‌سازی دارد.

سؤال ۱۰. کدام عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز نگرش منفعل و مخالف و تمایل نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایرانی به پدیده جهانی‌شدن است؟

برای پاسخ به این سؤال، عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز هر یک از نگرشها (نگرش منفعل، نگرش مخالف و نگرش فعال) را جداگانه بررسی کردیم. مقادیر همبستگی میان عوامل روان‌شناختی نشان داد که نیروی زندگی همبستگی منفی نیرومند و معتادار با اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیه خلاقانگی دارد. این مقادیر، به ترتیب، ۰-۰۵۱، ۰-۰۶۳، ۰-۰۳۱، و ۰-۰۲۵ است و نشان می‌دهد که نیروی زندگی حاکی از سلامت روانی و چهار متغیر اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیه خلاقانگی حاکی از مشکلات روانی است. مقادیر همبستگی میان نگرش منفعل (پذیرش جهانی‌سازی) با عوامل روان‌شناختی نیز نشان داد که این نوع نگرش همبستگی منفی و معتادار (۰-۰۲۳) با سلامت روانی و دارای همبستگی مثبت و معتادار با مشکلات روانی (با همبستگی متوسط ۰-۰۷۲) دارد. بیشترین مقدار همبستگی بین نگرش منفعل به جهانی‌سازی و روحیه خلاقانگی (با ضریب ۰/۲۳) مشاهده شد، که حاکی از انفعال و خودباختگی افراد خلاقان را در مقابل نه‌اجم جهانی‌سازی است. بنابراین، خلاقانگی پیش‌بینی‌کننده قابل‌اطمینانی برای پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل به جهانی‌سازی) است.

برای آنکه ببینیم کدام عوامل روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده نوع نگرش به پدیده جهانی‌شدن‌اند، در وهله نخست، خرده‌مقیاس پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل) و متغیر ملاک یا وابسته فرار دادیم و خرده-مقیاسهای مربوط به عوامل روان‌شناختی یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، و روحیه خلاقانگی را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده یا مستقل برای پیش‌بینی متغیر پذیرش جهانی‌سازی به کار

گرفتیم. در دو مرحله بعد، هر بار متغیرهای مقابله با جهانی‌سازی (نگرش مخالف)، و جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش منطقی با فعال) را به عنوان متغیرهای ملاک یا وابسته قرار دادیم و متغیرهای مستقل عوامل روان‌شناختی را به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده وارد معادله رگرسیون کردیم. نتایج این تحلیل‌ها نشان داد که تغییر عوامل روان‌شناختی بر نحوه برخورد با مسئله جهانی‌سازی را می‌توان با استفاده از متغیرهای نیروی زندگی، اضطراب، قسردگی، پرخاشگری و روحیهٔ خلافکاری تبیین کرد.

از آنجا که، مطابق یافته‌های تحقیق، نیروی زندگی (با ضریب $-۰/۶۳$) مفایر با افسردگی؛ (با ضریب $۰/۵۱$) مفایر با اضطراب؛ (با ضریب $-۰/۲۵$) مفایر با روحیهٔ خلافکاری و (با ضریب $-۰/۳۱$) مفایر با پرخاشگری است، و از سوی دیگر شاهد هستیم که چهار عامل مشکلات روانی (اضطراب و افسردگی و پرخاشگری و روحیهٔ خلافکاری) همبستگی دوتایی نیرومند و مستقیم و معنی‌دار دارند، لذا می‌توانیم اطمینان پیدا کنیم که مشکلات روانی پیش‌بینی‌کننده پذیرش جهانی‌سازی و سلامت روانی پیش‌بینی‌کننده تمایل تلاش به جهانی‌سازی است.

در مورد عوامل روان‌شناختی زمینه‌ساز نگرش مخالفت (با مقابله با جهانی‌سازی)، مطالعات ما نشان داد که برخورداری از سلامت روانی و نیروی بیشتر برای زندگی پیش‌بینی‌کننده نگرش فعال و مقابله با جهانی‌سازی است؛ اما مشکلات روانی، بخصوص روحیهٔ خلافکاری، نگرش منفعل و پذیرش بیشتر طرح و فرآیند جهانی‌سازی را پیش‌بینی می‌کند.

برای پیش‌بینی نگرش فعال (جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) بر اساس متغیرهای روان‌شناختی، پس از حصول اطمینان از برقراری فرضهای زیربنایی رگرسیون (یعنی نرمال و خطی بودن)، روند رگرسیون گام به گام را اجرا کردیم. در اینجا متغیر وابسته جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (یا نگرش فعال) بود و متغیرهای مستقل یا پیش‌بین آن را همان پنج متغیر مربوط به عوامل روان‌شناختی (یعنی نیروی زندگی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و روحیهٔ خلافکاری) تشکیل می‌داد. یافته‌های پژوهشی نشان داد که برخورداری بیشتر از نیروی زندگی، پیش‌بینی‌کننده نگرش فعال و منطقی به پدیدهٔ جهانی‌سازی است. برعکس، آن دسته از افراد که روحیات خلافکاری دارند نگرش فعال کمتری به جهانی‌سازی نشان می‌دهند.

از این یافته‌های پژوهشی به روشنی دربارت می‌شود که سلامت روانی و نیروی زندگی لازمه نگرش فعال و منطقی به پدیدهٔ جهانی‌سازی است. اما مشکلات روانی، خاصه روحیهٔ خلافکاری، موجب نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی در میان نوجوانان دانش‌آموز می‌شود.

سؤال ۱۱. هر یک از عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی تا چه اندازه زمینه‌ساز تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور است؟

اگر بنحویع به طور کلی به این سؤال پاسخ دهیم باید بگوییم تحلیل‌های آماری نشان داد که عوامل سنی، جنسی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی (و نیز ترکیب‌هایی از این عوامل) زمینه‌ساز

تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی است و این زمین‌سازمانی، حسب مورد، متفاوت از یکدیگر است.

تحلیلهای واریانس مربوط به تعیین نقش هر یک از عوامل سن، جنس، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی (و ترکیب برخی از این عوامل با یکدیگر) در تفاوت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور نشان داد که این متغیرها بر این ارزشها تأثیر می‌گذارد:

۱. متغیر جنسیت و ترکیب سن و جنسیت بر ارزشهای فردی؛

۲. دو عامل انسرردگی و روحیهٔ خلاقانگی بر ارزشهای فردی؛

۳. متغیرهای سن، جنس و ترکیب جنس و وضعیت اقتصادی و وضعیت فرهنگی بر ارزشهای خانوادگی؛

۴. ترکیب شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای خانوادگی؛

۵. متغیر نیروی زندگی بر ارزشهای خانوادگی؛

۶. متغیرهای سن و جنسیت و وضعیت اقتصادی و فرهنگی بر ارزشهای اقتصادی؛

۷. روحیهٔ خلاقانگی بر ارزشهای اقتصادی؛

۸. متغیر جنسیت بر ارزشهای سیاسی؛

۹. ترکیب شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای سیاسی؛

۱۰. متغیرهای اضطراب و روحیهٔ خلاقانگی بر ارزشهای سیاسی؛

۱۱. وضعیت فرهنگی بر ارزشهای اجتماعی؛

۱۲. متغیرهای اضطراب، انسرردگی، پرخاشگری و روحیهٔ خلاقانگی بر ارزشهای اجتماعی؛

۱۳. متغیرهای سن، جنسیت و ترکیب متغیرهای سن و جنسیت و وضعیت فرهنگی، و ترکیب متغیرهای جنسیت و طبقهٔ اقتصادی بر ارزشهای هنری؛

۱۴. روحیهٔ خلاقانگی بر ارزشهای هنری؛

۱۵. متغیر سن بر ارزشهای علمی؛

۱۶. پایهٔ تحصیلی و شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی بر ارزشهای علمی؛

۱۷. شاخهٔ تحصیلی پیش‌دانشگاهی و پیشرفت تحصیلی بر ارزشهای علمی؛

۱۸. متغیرهای نیروی زندگی و انسرردگی بر ارزشهای علمی؛

۱۹. وضعیت فرهنگی و ترکیب متغیرهای سن و جنسیت بر ارزشهای مذهبی^۱

۲۰. شاخصه تحصیلی بر ارزشهای مذهبی^۲

۲۱. متغیرهای نیروی زندگی و روحیه خلاقیت‌آمیزی بر ارزشهای مذهبی^۳

۲۲. متغیرهای سن و وضعیت اقتصادی بر ارزشهای ملی^۴

۲۳. شاخصه تحصیلی پیش‌دانشگاهی بر ارزشهای ملی^۵

۲۴. متغیرهای نیروی زندگی، امیددگی و روحیه خلاقیت‌آمیزی بر ارزشهای ملی^۶

۲۵. متغیرهای سن و جنسیت به صورت ترکیبی بر ارزشهای جهانی و بالأخره

۲۶. متغیرهای نیروی زندگی، امیددگی، پرخاشگری و روحیه خلاقیت‌آمیزی بر ارزشهای جهانی.

این یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که چگونگی نگرش نوجوانان دانش‌آموز به پدیده جهانی شدن و جهانی‌سازی بر نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان تأثیر می‌گذارد و اگر بتوانیم نگرش فعال و منطقی به مسائل جهانی را در آن تقویت کنیم، روحیه دینداری و ایران‌دوستی و ارزشهای معنایی نیز در آنان تقویت خواهد شد. در عین حال، نگرش به پدیده جهانی شدن و هویت دینی و ملی و نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارای تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر است و تقویت هر یک از دو سوی این معادله باعث تقویت طرف دیگر خواهد شد.

پیشنهادهایی برای پژوهشهای بعدی

موضوع نگرش به جهانی شدن و جهانی‌سازی و شناخت جوانب گوناگون هویت دینی و ملی، و نظام ارزشی نوجوانان دانش‌آموز ایران چنان اهمیت و وسعت دارد که پژوهشهای وسیع‌تری را می‌طلبد. پیشنهاد اساسی ما برای پژوهشهای بعدی این است که بیش از هر چیز به نظریه‌پردازی و پژوهشهای بنیادی در این حوزه‌ها پرداخته شود. یعنی دقیقاً آنچه فعالیتهای پژوهشی در مسائل روانشناسی و تعلیم و تربیت کشور ما نیازمند آن است، نه پژوهشهای کاربردی ساده و تجربی و متفرق و کم‌تیر، بلکه تحقیقات اساسی بنیادی برای بومی‌سازی دانش روانشناسی و علوم تربیتی در ایران است تا، ان‌شاء‌الله، از وابستگی به علوم غربی که تناسی با بنیادها و اصول اعتقادی و فرهنگی و سبک زندگی ما ندارد، خلاص شویم و آموزش و پرورش ما بتواند بر بنیاد چنین پژوهشهایی برنامه‌ها و عملکردهای تعلیم و تربیتی خود را بهتر از آنچه هست سازماندهی کند. علاوه بر این، بررسی دقیق برنامه‌ها و عملکردهای آموزش و پرورش و چگونگی آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم که در این موارد به دانش‌آموزان داده می‌شود، و نیز کشف و تبیین دلایل فوت و ضعف برنامه‌ها و عملکردهای مدارس و اوانته راهکارهای مناسب برای تقویت نقاط قوت و کاهش و حذف نقاط ضعف، در شمار مواردی است که به پژوهش نیاز دارد.

پیشنهادهایی برای آموزش و پرورش، دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی

با توجه به یافته‌های پژوهشی در پاسخ به یازده سؤال این تحقیق، می‌توانیم پیشنهادهایی را برای آموزش و پرورش، دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی، به شرح زیر ارائه کنیم:

۱. با توجه به آنکه بیشتر دانش‌آموزان نوجوان ایران نگرش فعال و منطقی و مخالف به پدیده جهانی‌سازی دارند، محتوای کلاسهای درس دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی برای کمک به سایر دانش‌آموزان (که گرفتار نگرش منفعل و موافق جهانی‌سازی اند) آماده‌گیاای لازم را دارد و چنانچه برنامه‌های مناسب برای آموزش پیچیدگیهای وضعیت جهان معاصر و مخاطراتی که پدیده جهانی‌سازی ایجاد کرده و خواهد کرد طراحی و اجرا شود، می‌توان امیدوار بود که وحدت نظر و نگرش فعال و منطقی در نوجوانان و جوانان ما در زمینه برخورد با پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی بسیار بیشتر و مؤثرتر شود.

۲. از آنجا که عوامل زمینه‌ای (یعنی عوامل خانوادگی، برنامه‌ها و عملکردهای مدرسه، ساختار هویت دینی و ملی، نظام ارزشی و ویژگیهای روان‌شناختی دانش‌آموزان نوجوان ایران) مؤثر بر نوع نگرش آنان به پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است، آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه‌ریزی و طراحی و اجرای آموزشهای لازم، در کنار کمکهای جانی برای تقویت روش پاسخگویی خانواده‌ها به نیازهای فکری و رفتاری فرزندان، فعالیتهای محدود و کم‌تر کنونی خود را به برنامه‌ها و عملکردهای مؤثر و دقیق برای آشنا کردن نوجوانان دانش‌آموز با پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی تبدیل کند. از آنجا که، به اعتقاد نوجوانان دانش‌آموز، مدرسه تاکنون نتوانسته نقش مهمی در ایجاد نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن ایفا کند، برای جبران این کمبود باید برنامه‌های مناسب طراحی و اجرا شود. نکته دیگر این است که چون نگرش آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که هویت دینی و ملی نیرومندی و نظام ارزشی پیشرفته‌تری دارند به پدیده جهانی‌شدن فعال‌تر و منطقی‌تر است، مدارس می‌تواند با تشخیص و بهبودبخشی وضعیت هویت دینی و ملی و نظام ارزشی دانش‌آموزان زمینه‌های مساعدی برای ایجاد نگرش فعال و منطقی به پدیده جهانی‌شدن (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایی) فراهم کنند. و بالاخره، ایجاد شرایط بهتر در محیطهای آموزشی برای کمک به بهداشت روانی دانش‌آموزان نیز کمک مؤثری به تقویت گرایش فعال به پدیده جهانی‌شدن خواهد بود.

۳. از آنجا که نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان به نگرش و رفتارهای آنان جهت می‌دهد، و با توجه به آنکه نیرومندی ارزشهای ملی، خانوادگی، اجتماعی و مذهبی در تقویت نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن بیشترین تأثیر را می‌گذارد، جدا دارد که در زمینه سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی و تقویت ارزشهای مؤثر بر نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن اقدامات لازم صورت گیرد. متأسفانه شایع است که دبیرستانهای ما کلاً تربیتی و رشد دادن شخصیت و هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان را به صورت برنامه‌ریزی‌شده و منسجم و مشخص در دستور برنامه‌ها و فعالیتهای خود ندارند. باید به این فقدان جدی توجه و برای رفع آن کوشش کرد.

۴. با توجه به آنکه هویت دینی و ملی و اخلاقی دانش‌آموزان دبیرستانی، در مقایسه با دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، ثروت کمتری دارد و همچنین به دلیل آنکه سهل‌نگاری دینی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی بیشتر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است، ضرورت دارد که جوانب گوناگون هویت این دانش‌آموزان و راههای تقویت آن بر اساس دانش روان‌شناسی شخصیت و هویت توجیه‌کننده سنجیده شود. فسمتاً از آنجا که گروه وسیعی از دانش‌آموزان دبیرستانی به پایه تحصیلی بالاتر وارد نمی‌شوند، جا دارد که برای تربیت هویت دینی و ملی آنان برنامه‌های لازم تدوین شود و به مرحله اجرا درآید تا آنان نیز، همانند دانش‌آموزانی که در پایه پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کنند، رشد‌یافتگی بیشتری در هویت خود نشان دهند.

۵. یافته‌های پژوهش ما نشان داد که نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی در مقابل نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن و نگرش مقابله‌جویانه با پدیده جهانی‌سازی است و این نگرشها ارتباط محکمی با نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران دارد، بنابراین اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما نگرش فعال و منطقی به مسائل جهانی داشته باشند باید نظام ارزشی و هویت دینی و ملی آنان را کاملاً تقویت کنیم. از سوی دیگر، ارتباط دوجانبه این عوامل به ما می‌آموزد که برای تقویت نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نیز باید به رشد نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن و گسترش نگرش مقابله‌جویانه آنان با پدیده جهانی‌سازی کمک کرد.

۶. با توجه به نتایج پژوهش بعدست‌آمده بین بر نگرش فعال نیرومندتر دختران، در مقایسه با پسران، به پدیده جهانی‌شدن به نظر می‌رسد که کارکرد دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی دخترانه در این مورد مؤثرتر بوده است، بنابراین لازم است در مدارس پسرانه به آموزش نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن توجه بیشتری شود.

۷. حسب یافته‌های پژوهش ما، دانش‌آموزان نوجوانی که در پایه‌های تحصیلی پایین‌تر درس می‌خوانند نگرش منفعل بیشتری بروز می‌دهند و پدیده جهانی‌سازی را بیشتر می‌پذیرند، بنابراین، به خصوص با توجه به کثرت این گروه از دانش‌آموزان، ضروری است برنامه‌های درسی و کمک‌دوسی لازم برای آموزش مسائل جهانی و پدیده‌های جهانی‌شدن و جهانی‌سازی به این دانش‌آموزان اختصاص داده شود.

۸. با توجه به آنکه، حسب یافته‌های پژوهش ما، دانش‌آموزان متعلق به طبقات اقتصادی-اجتماعی بالا بیش از طبقات میانی و پایین دچار نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی‌اند، ضروری است که دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی که نوجوانان و جوانان طبقات بالاتر اقتصادی در آنها تحصیل می‌کنند به آموزش مسائل جهانی و آگاه‌سازی دانش‌آموزان از مخاطرات ناشی از پذیرش جهانی‌سازی حساسیت بیشتری نشان دهند. این گروه از دانش‌آموزان، به خصوص از آن جهت که قاعدتاً به مدارج تحصیلی و شغلی بالاتری نیز می‌رسند، ممکن است در مشاغل آتی خود زمینه‌های مساعدی برای نفوذ پدیده جهانی‌سازی نیز فراهم آورند و از این طریق استقلال کشور و هویت فرهنگی را نیز به مخاطره اندازند.

۹. در مورد دانش‌آموزان متعلق به خانواده‌هایی که سطح تحصیلی بالاتر و امکانات فرهنگی بیشتری دارند، به دلیل آنکه یافته‌های پژوهش حاکی از نگرش اتمالی بیشتر این گروه در قبال پدیده جهانی‌سازی است،

لازم است دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی که نمداد بیشتری از این دانش‌آموزان در آنها تحصیل می‌کنند حساسیت بیشتری در مورد آموزشهای جهانی و تقویت نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن نشان دهند و از مخاطراتی که از این طریق ممکن است در آینده برای استقلال فرهنگی کشور پیش آمد جلوگیری کنند.

۱۰- با توجه به آنکه یافته‌های پژوهشی ما حاکی از تأثیر قطعی عوامل روانشناختی (سلامت روانی و نیروی زندگی در مقابل مشکلات روانی) در نحوه برخورد با مسئله جهانی‌سازی است و از آنجا که همین یافته‌ها نشان می‌دهد که مشکلات روانی (به خصوص روحیهٔ خلافتکاری و ناسردگی) پیش‌بینی‌کنندهٔ نگرش منفعل و پذیرش جهانی‌سازی است، ضروری است که بر اساس برنامه‌های دقیق و برنامه‌ریزی سنجیده فضای روانی-اجتماعی دبیرستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی و کلاسهای درسی بهتر و از بروز روحیات خلافتکاری و ناسردگی و سایر مشکلات روانی پیشگیری شود. همچنین، از آنجا که سلامت روانی و نیروی زندگی پیش‌بینی‌کنندهٔ نگرش فعال (یعنی جهانی‌نگری و ایران‌گرایان) است، باید برای تأمین محیط سالم‌تر آموزش و ایجاد امیدواری و نیروی زندگی در میان دانش‌آموزان نوجوان کشور کوشش بیشتری شود.

۱۱- با توجه به آنکه نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر منفی‌ها و عوامل گوناگون سنی و جنسی و خانوادگی و اقتصادی و فرهنگی و روانشناختی در نظام ارزشی و هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان است، ضروری است که قدرتی در این باره و برنامه‌ریزی برای بهبود نظام ارزشی و رشد هویت دینی و ملی با توجه به این عوامل مسرت گیرد. مثلاً وقتی که می‌بینیم روحیهٔ خلافتکاری، ناسردگی، اضطراب، و بر خاشاک‌گری زمینه‌ساز نظام ارزشی ضعیف و هویت سهل‌تکارانهٔ دینی و ملی است، باید در کنار آموزشهای برای اعتدالی نظام ارزشی دانش‌آموزان، با ارائهٔ مشاوره‌های روانی-تربیتی برای رفع مشکلات روانی دانش‌آموزان نیز بکوشیم. به بیان دیگر، مسائل نظام ارزشی و هویت دینی و ملی نوجوانان با عوامل دیگری، چون وضعیت روانشناختی آنان گره خورده، لازم است برنامه‌ها و آموزشهای آنان ارائه و بسا وضعیت روانشناختی آنان تناسب داشته باشد. همین‌طور، از آن جایی که می‌بینیم سلامت روانی و نیروی زندگی به صورت مثبت و ناسردگی به صورت منفی در ترجیح ارزشهای علمی مؤثر است، ضرورت دارد که برای تقویت ارزشهای علمی در میان نوجوانان دانش‌آموز به درمان این مشکلات روانی نیز پردازیم.

منابع

استبگنیس، جوزف (۱۳۸۲)، جهانی‌سازی و مسائل، آن ترجمهٔ حسن گلریز، تهران: نشر نی.

اسدی، باقر (۱۳۸۱)، تأثیر جهانی‌شدن بر توسعهٔ ملی بلند مدت ایران، نشریهٔ آفتاب، شمارهٔ ۲۲، بهمن ۸۱

الزهری، محسن، آسیب‌شناسی جهانی‌شدن دین، نشریهٔ تدبیر صادق، شمارهٔ ۵

للمرکز، پرویز، آثار جهانی‌شدن در خاور میانه، روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳ و ۱۲/۱۳۷۹/۱۷.

- بلخاری، حسن. آفات جهانی شدن. نشریه موعود، اسفند ۱۳۸۰.
- پالاست، گریگ (۱۳۸۲). بهترین دموکراسی که با پول می‌توان خرید: یک گزارش تحقیقی که پسرده از حقیقت جهانی‌سازی شرکت‌های بزرگ و غولهای مالی جهان برم‌دارد. ترجمه رضا افتخاری. تهران: نشر رسا.
- پانچیناکدی، سوپانچای. آثار جهانی شدن بر حمایت‌های اجتماعی. روزنامه حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۱/۱۰/۱۰.
- نوزائیان فرد، حسن (۱۳۸۲). جهانی‌سازی، اقتصاد اینترنت، آی تی شدن و اقتصاد اطلاع‌رسانی. تهران: نشر فکترونیک و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- حکیمی، محمد. جهانی‌سازی اسلامی، جهانی‌سازی غربی. باشگاه اندیشه، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲.
- حلالی، امید. آغاز انحطاط مرزهای ملیت: جهانی شدن. نشریه مردم‌سالاری، ۱۳۸۱/۳/۳۰.
- خوشه‌سال، یاسین. جهانی شدن یا امریکایی شدن. باشگاه اندیشه، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲.
- رفیعی نژاد، محمد حسین (۱۳۸۱). آن سوی جهانی‌سازی. تهران: انتشارات شاهکه.
- سردارآبادی، خلیلک (۱۳۸۲). جهانی شدن و دموکراسی (عدم دموکراسی) نشریه آفتاب، شماره ۲۲، فروردین ۸۲ صدیقی، کورس. آزادسازی مقررات زدایی، خصوصاً سازی، بایسته‌های جهانی شدن. نشریه بورس، شماره ۳۰ طباطبایی، سید صادق. جهان رسانه و جهان شدن (ماهنامه پرسمان، منبع اینترنتی، ۱۳۸۲).
- عزیزی پش طرفه، یوسف. آسیب‌شناسی سه انقلاب: جهانی شدن، مهندسی ژنتیک، و اینترنت. روزنامه هشتپوری، ۱۳۸۰/۶/۱.
- فاکس، جرمی (۱۳۸۱). جنسکی و جهانی‌سازی. نقلیهای پیام‌دردن. ترجمه مزدک آندیشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فالک، ریچارد. ادیان توحیدی در عصر جهانی شدن. ترجمه عبدالرحیم مرودشینی، نشریه گوناگون، شماره ۲ و ۵.
- کتاب نقد شماره ۲۲ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱. جهانی‌سازی: کالبدشناسی یک پروژه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- گریفین، کیت (۱۳۸۱). مروری بر جهانی‌سازی و گذار اقتصادی. ترجمه: محمدرضا فرزین. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.

گیتیزه آنتونی (۱۳۸۱). جهانی شدن نابرابری دولت سرمایه‌گذار اجتماعی. ترجمه محمد رضا مهدی‌زاده. نشریه آفتاب، شماره ۲۱، آذر ۱۸.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱). رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی تهران: انتشارات شبکه.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲). وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

لطف‌آبادی، حسین و توروژی، وحیده (۱۳۸۳). نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزش دانش‌آموزان نوجوان ایران: فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی. شماره ۷، صفحات ۳۳ تا ۵۸ و ۱۲۳ تا ۱۶۰.

مارنبن، هانس پیتر و شومن، مارک (۱۳۸۱). دام جهانی شدن: نه‌اجم به دموکراسی و رفاه. ترجمه حمیدرضا شهیرزادی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

مرآت، مه (۱۳۸۳). جهانی‌شمولی اسلامی و جهانی‌سازی. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

غیب‌السلطنه، رضا (۱۳۸۲). جهانی‌سازی. تهران: انتشارات شبکه.

والی‌زاد، مرتضی (۱۳۸۰). نخستین چالش‌های هزاره سوم: توسعه پایدار جهانی شدن. نشریه سیمای اقتصادی، شماره ۱۸۷ و ۱۸۸.

هارماس، یودکن (۱۳۸۱). جهانی شدن: ترجمه شاهرخ حقیقی و لبرلیم مکیلا. نشریه آفتاب، شماره ۱۶، مهر ۸۱.

Ainger, Katharine. (Nov. 2001). A culture of life, a culture of death. (Anti-Globalization Movement). *New Internationalist*.

Benveniste, L. (1999). The politics of educational reforms in the Southern Cone. Ph. D. dissertation, School of Education, Stanford University, USA.

Birkhead, Ceres. (April 2002). Globalization, Identity and Democracy: Mexico and Latin America. *School Library Journal*.

Bukovansky, Mlada. (March 2000). National Collective Identity: Social Constructs and International Systems. *American Political Science Review*.